

فولکلور، ادبیات عامه و جامعه

حسن حسنعلی پور

دبیر زبان و ادبیات فارسی، شهرستان گچساران



کلیدی تحقیق پرداخته می‌شود.

چکیده

ادبیات شفاهی یکی از بخش‌های مهم فرهنگ ما را تشکیل می‌دهد که به دلیل مکتوب نبودن به سرعت در حال نابودی است. دربارهٔ ادب عامیانه یا «فولکلور» که از بخش‌های مهم ادبیات ماست، تنها در ادبیات دورهٔ پیش‌دانشگاهی رشتهٔ انسانی مطالبی ذکر شده است. در این پژوهش به‌طور خلاصه به تعریف و اشکال این شاخه از ادبیات پرداخته شده است.

واژه فرهنگ

در زبان و ادب برای واژه فرهنگ معانی گوناگونی به کار برده‌اند؛ از جمله حسینقلی بیهقی با بررسی منابع گوناگون ادبی در این زمینه و آوردن این معانی در کتاب پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران چنین می‌نویسند:

«فرهنگ» از دو جزء «فر» و «هنگ» ترکیب یافته است.

۱. «فر» یا «فرا» در فرس هخامنشی (فر far و فرا frā) از پیشاوندها است به معنی «پیش». در فارسی هم گذشته از فرهنگ، بر سر بسیاری از واژه‌ها «فرا» می‌آید؛ چون فرارفتن و فراخواندن. یا «فر» به فتح «فا» و کسر «فا» دیده می‌شود چون فرمودن و فرزند و فرزانه و فرستادن و جز این‌ها.

۲. «هنگ». جداگانه در فارسی به معنی قصد و نیت می‌باشد. آهنگ با پیشاوند «آ» در زبان ما رایج‌تر است. «هنگ» با پیشاوند «فر» به معنی دانش و ادب است. در نوشته‌های پهلوی هم به همین معنی بسیار دیده می‌شود و اصولاً فرهنگ در زبان پهلوی به معنی تربیت، آموزش و پرورش و آنچه آموخته می‌شود، به کار می‌رفته است.» (بیهقی، ۱۳۶۵: ۱۰)

تعریف فرهنگ

از آنجا که فرهنگ قلمروی بسیار گسترده دارد، تاکنون تعاریفی گوناگونی برای آن ارائه شده است. روح‌الامینی در کتابش مجموعهٔ این تعاریف را حدود ۴۰۰ تعریف ذکر کرده است (روح‌الامینی، ۱۳۷۷: ۱۴۷). یکی از نخستین و در عین حال بهترین این تعاریف‌ها را تابلور^۱ انسان‌شناس

ادبیات شفاهی یکی از بخش‌های مهم فرهنگ ما را تشکیل می‌دهد که به دلیل مکتوب نبودن به سرعت در حال نابودی است. دربارهٔ ادب عامیانه یا «فولکلور» که از بخش‌های مهم ادبیات ماست، تنها در ادبیات دورهٔ پیش‌دانشگاهی رشتهٔ انسانی مطالبی ذکر شده است. در این پژوهش به‌طور خلاصه به تعریف و اشکال این شاخه از ادبیات پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: فولکلور، فرهنگ عامه، ادبیات شفاهی و ادبیات عامیانه

مقدمه

فولکلور^۱ یا فرهنگ مردم یکی از نخستین نمودهای زندگی بشری است که نه آفرینندگانش نامی از خود به جا گذاشته‌اند و نه تاریخی روشن دارد. این فرهنگ گاهی هزاران سال را پشت سر می‌گذارد و گاه دیرسالی آن به سده‌ای هم نمی‌رسد. در واقع، فولکلور نمای کلی از زندگی مادی و معنوی انسان است. به همین دلیل، یکی از ارزشمندترین نهادها برای بررسی گذشته و شناخت روش‌های زندگی به‌شمار می‌رود و عواطف و باورها و به‌طور کلی روح زندگی گذشتگان را می‌توان از طریق آن باز شناخت؛ فرهنگی که ساخته توده مردم است و در حقیقت بازتاب روشنی از اندیشه‌ها و سنت‌های آنان است که گذشته را به امروز پیوند می‌دهد. بنابراین جمع‌آوری، بررسی و تحلیل گونه‌های مختلف آن ما را با ارزش‌های درونی این فرهنگ آشنا می‌کند. به همین دلیل در این پژوهش به مفاهیم و تعاریف و یا تاریخچهٔ برخی از واژگان

اندیشه‌ها و ادبیات عامه جلوگیری کرد.» (بیهقی، ۱۳۶۵: ۱۸-۱۷)

صادق هدایت برای اولین بار این کلمه را در کتاب «فواید گیاهخواری» در سال ۱۳۰۶ هجری شمسی و کتاب «نیرنگستان» در سال ۱۳۱۲ شمسی به کار برد و پس از آن این واژه به‌عنوان فرهنگ عامه یا فرهنگ مردم در زبان و ادب فارسی کاربرد گسترده‌ای پیدا کرد (روح‌الامینی، ۱۳۷۷: ۲۶۶-۲۶۵). علاوه بر صادق هدایت، علی‌اکبر دهخدا نیز با نوشتن «امثال و حکم» و همچنین «چرند و پرند» در روزنامه «صور اسرافیل» در این زمینه پیش‌قدم بود. افراد دیگری مانند سید/شرف حسینی گیلانی، سیدمحمدعلی جمال‌زاده (صاحب کتاب یکی بود یکی نبود)، امیرقلی امینی (مؤلف کتاب فرهنگ عوام)، حسینی کوهی کرمانی - که هفتصد ترانه روستایی را به راهنمایی و تشویق ملک‌الشعرا بهار جمع‌آوری و چاپ نموده است - هم از جمله افراد پیشگام در زمینه توجه به فرهنگ مردم در دوران معاصراند. به‌جز محققان ایرانی فرهنگ مردم، برخی شرق‌شناسان و ایران‌شناسان خارجی نیز به گردآوری برخی از مواد فولکلور ایران پرداخته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به ژوکوفسکی، آرتور کریستن سن، هانری ماسه و گالونو اشاره کرد؛ چنان‌که فریدون وهمن در مقدمه‌ای بر ترجمه کتاب فرهنگ مردم کرمان اثر لوریمر نوشته است:

«در ایران ظاهراً نخستین کوشش علمی برای ضبط مواد مربوط به فولکلور توسط غربیان، خاصه مستشرقینی که در پی ضبط لهجه‌ها و زبان‌های ایرانی بودند، آغاز شد و داستان‌ها و روایات و ضرب‌المثل‌ها و ترانه‌های محلی که اینجا و آنجا ضبط می‌نمودند اساس مطالعات زبان‌شناسی آنان قرار گرفت. در بسیاری از زبان‌های اروپایی مآخذ و منابع گرانبهایی که محتوی افسانه‌ها و ادبیات عامیانه نقاط مختلف ایران است وجود دارد... تاریخ ضبط این آثار به حدود ۵۰ تا ۱۰۰ سال قبل می‌رسد و دقت علمی که در جمع‌آوری آن‌ها به کار رفته می‌تواند ضامنی بر صحت و اعتبار آن‌ها باشد.» (لوریمر، ۱۳۵۳: ۱۹)

تعریف فولکلور و قلمرو آن

از فولکلور تعاریف مختلفی ارائه شده است و نمی‌توان یک نظر را به‌طور کلی اصل دانست. با این حال، تقریباً همه این تعاریف روی یک موضوع اتفاق نظر دارند و آن شیوه انتقال است. در تعریفی،

معروف انگلیسی ارائه داده است. او در سال ۱۸۷۱ میلادی در کتاب معروف خود، «فرهنگ ابتدایی»^۳ این چنین آورده است:

«فرهنگ یا تمدن مجموعه پیچیده‌ای است که دربرگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که به‌وسیله انسان به‌عنوان عضو جامعه کسب شده است. وضع فرهنگ میان جوامع مختلف بشری تا جایی که در اصول کلی قابل تحقیق باشد موضوعی است مناسب برای بررسی قوانین اندیشه و کنش انسانی» (بیهقی، ۱۳۶۵: ۱۱). این تعریف اگرچه درباره فرهنگ بسیار ارزنده و مفید است، تعریف کاملی در این زمینه محسوب نمی‌شود و باید دیگر تعاریف را به‌صورت مقایسه‌ای مدنظر داشته باشیم.

آشنایی با دانش فولکلور و حوزه‌های آن

واژه «فولکلور» از دو جزء «فولک» (Folk) به معنی مردم، توده، عامه، خلق و عوام و «لور» (Lore)، به معنی دانش، آگاهی، دانسته‌ها و معلومات، حکمت و کلماتی از این‌گونه، تشکیل شده است. در برابر این کلمه، اصطلاحات کلی فرهنگ مردم، فرهنگ توده، دانش عوام، حکمت عامیانه، فلسفه عوام، معرفت عامه، دانستنی‌های عوام، فرهنگ عامه، فرهنگ قومی، آداب‌ورسوم و اعتقادات عامه، اخلاق عامیانه، توده‌شناسی به کار رفته است. (همان: ۱۸). فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای نخستین بار برای معنی این کلمه، «توده‌شناسی» را به کار برد ولی محققان از این واژه استقبال چندانی نکردند و از ترکیب‌های دیگری مثل فرهنگ مردم، فرهنگ عوام یا فرهنگ عامه استفاده بیشتری شد. (عمرانی، ۱۳۸۱: ۱۴)

تاریخچه دانش فولکلور

«فرهنگ مردم ترجمه کلمه «فولکلور» است. این کلمه را نخستین بار ویلیام جی، تامس^۴ باستان‌شناس انگلیسی (در گذشته به سال ۱۸۸۵ م) وضع کرد و آن را طی نامه‌ای با امضای مستعار آمبروز مرتون^۵ در نشریه انجمن ادبی لندن در تاریخ ۲۲ اوت ۱۸۴۶ به چاپ رساند. وی در توضیح این اصطلاح تأکید داشت که مطالب و موضوعاتی «از قبیل عادات و آداب و مشاهدات و خرافات و ترانه‌ها و اصطلاحات و غیر از این‌ها از ادوار قدیم تدوین شود» تا هم در آینده پژوهشگران بتوانند از این طریق به اطلاعات مورد علاقه خود دست یابند و همچنین بدین‌وسیله بتوان از زوال و فانی آثار و

به آن بخش از دانش و هنر فولکلور گفته می‌شود که به صورت شفاهی و زبان به زبان از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. باید توجه داشت که اگرچه این وجه مشترک خود بیان‌کننده بخشی از واقعیت است، به خودی خود نمی‌تواند تعریفی دقیق و جامع باشد؛ چرا که بسیاری از مواد و عناصر فولکلور را می‌توان برشمرد که به صورت زبانی و شفاهی منتقل نمی‌شوند. ولی در ردیف فولکلور قرار دارند؛ مانند نوشته‌های روی سنگ قبرها، دعاها، طلسم‌ها، قراردادهای قول‌نامه‌های سنتی و وصیت‌نامه‌ها. این‌ها بخشی مهم از فولکلور هستند که تنها از طریق کتبی حفظ و منتقل می‌شوند. این موارد را همچنین می‌توان دربارهٔ هنر عوام به‌ویژه رقص برشمرد؛ چرا که رقص تنها از طریق نگاه کردن و تمرین و مهارت کسب می‌شود و نمی‌توان گفت که از طریق زبان منتقل می‌گردد. (جعفری قنواتی، ۱۳۸۴: ۱۰۳-۱۰۲)

قلمرو فرهنگ عامه بسیار گسترده است و ذهن هر فرد از باورها، پندارها، اندیشه‌ها و سخن و ادب عامه انباشته است. بسیاری از تدابیری را که انسان برای رفع نیازهای اولیهٔ خود از جمله تهیهٔ پوشاک، خوراک، ابزار و مسکن به‌کار می‌گیرد و آنچه را به‌عنوان اوقات فراغت در نظر دارد و بخشی از رفتارهای اجتماعی و مراسم و آداب و رسوم زندگی (از زادن تا مردن) همهٔ این‌ها، گوشه‌ای از فرهنگ عامه را تشکیل می‌دهند (همان: ۲۱). با توجه به این وسعت قلمرو است که در یکی از تعاریف، فولکلور را شامل همهٔ جنبه‌های عامیانه زندگی ذکر کرده‌اند و از آنجا که هنوز در جهان، جامعه‌ای را که

تمام رفتار و اعمال افرادش منطقی و براساس موازین علمی باشد سراغ نداریم، بنابراین جامعه‌ای را نمی‌شناسیم که بدون فولکلور باشد. (روح‌الامینی، ۱۳۷۷: ۳۷۱)

محققان در ابتدا فولکلور را محدود به قصه‌ها، افسانه‌ها، آوازها، ترانه‌ها، مثل‌ها، معماها و متلک‌ها می‌دانستند اما کم‌کم تمام سنت‌ها و آنچه مردم در زندگی خارج از مدارس نیز فرا می‌گرفتند، جزو قلمرو فرهنگ مردم قرار گرفت. چندی بعد جست‌وجوکنندگان اعتقادات و اوهام، پیش‌گویی دربارهٔ وقت، نجوم، تاریخ طبیعی، طب و آنچه که به‌طور کلی «دانش توده» نامیده می‌شد (مانند گاهنامه، سنگ‌شناسی، گیاه‌شناسی، جانورشناسی و داروهای که عوام به‌کار می‌بردند) را وارد این علم کردند. سپس اعتقادات و رسومی که وابسته به هر یک از مراحل مختلف زندگی مانند تولد، بچگی، جوانی، زناشویی، پیروی، مراسم سوگواری، جشن‌های ملی و مذهبی و عاداتی که مربوط به زندگی عمومی افراد می‌شد (از جمله تمام پیشه‌ها و

فنون مردم) جزو این علم به‌شمار آمد. (هدایت، ۱۳۸۵: ۲۳۴) در یک تقسیم‌بندی دیگر می‌توان موضوعات و مقولات مورد پژوهش فرهنگ عامه را به چند صورت بیان کرد؛ یکی ادبیات شفاهی و گونه‌های مختلف آن، که خود شامل اساطیر، حکایت‌های اسطوره‌ای، افسانه‌ها، قصه‌های پهلوانی، حکایت‌های واقعی و امثال و لطیفه است و هر یک از آن‌ها ساختار و موضوعی مشخص و متفاوت از دیگری دارند و در عین حال خود به اجزاء کوچک‌تری تقسیم می‌شوند که ویژگی مشترکشان روایی بودن آن‌هاست. گروه دیگر شامل آوازها، ترانه‌ها، تصنیف‌ها، واسونک‌ها، دوبیتی‌ها، تک‌بیتی‌ها، نوحه‌ها، اشعار سوگواری‌ها و لالایی‌هاست. ویژگی مشترک این انواع، منظم بودن آن‌هاست. دستهٔ دیگر شامل امثال و حکم، چیستان، لغز، زبان‌زدها، بازی‌های زبانی، زبان‌های زرگری، زبان مخفی، تشبیهات عامیانه، یادگاری‌ها، دیوارنوشته‌ها و موارد فراوانی از این قبیل است که هر یک جنبه‌هایی از ادب عامیانه را در خود دارد. وجه دیگر فولکلور، شامل آن دسته از آداب و رسوم مذهبی است

که در میان عامه رواج دارد؛ بدون آنکه در مذهب رسمی نشانی از آن‌ها وجود داشته باشد (مانند انواع مختلف سفره‌ها). برخی از این آداب حتی ممکن است از طرف تمام یا بخشی از مذهب رسمی منع شده باشد؛ مانند موارد معینی از سوگواری برای اولیا و مقدسین (قمه زدن و...). جشن‌های مذهبی نیز بخشی از فولکلور است؛ مانند عید قربان، مبعث پیامبر و موارد مشابه. بخش دیگر فولکلور، شامل آداب و رسوم عروسی (خواستگاری، بله‌برون، نامزدی و انواع آن، ناف بریدن پسر و دختر برای یکدیگر، الزام از دواج پسرعمو و دخترعمو)، شست‌وشوی نوزادان، خواندن اذان در گوش نوزاد، نام‌گذاری و چگونگی انتخاب نام و همچنین انواع بازی‌ها، بازی‌های کودکان و بزرگسالان، اشعار حین بازی، یارگیری و بازی‌های مخصوص شب‌های زمستان از جمله موضوعات فرهنگ عامه است. به موارد یاد شده می‌توان انواع مراسم سوگواری و موارد مربوط به آن، مراسم مربوط به سنن ملی مثل آداب نوروز، سیزده‌بدر، چهارشنبه سوری، نذری‌ها، قربانی‌ها و باورها و اعتقادات دربارهٔ فال‌گیری، خواب‌گزاری، سوگند خوردن به چراغ و آداب و رسوم گوناگون مربوط به کشاورزی و دامداری را نیز افزود. آن‌گونه که از مضمون و محتوای این مقوله‌ها برمی‌آید، فرهنگ عامه را می‌توان به دو بخش کلی دانش عامه و ادب عامه تقسیم‌بندی نمود که از یک طرف با انسان‌شناسی و از طرف دیگر با ادبیات ارتباط دارد. (جعفری قنواتی، ۱۳۸۴: ۱۰۶-۱۰۳). به‌طور خلاصه، می‌توان گفت که قلمرو فرهنگ عامه علاوه بر ادبیات شفاهی و آداب و رسوم و معتقدات عامیانه، شامل تمام علوم، هنرها، تکنیک‌ها، صنایع و حرفه‌های توده مردم نیز می‌شود.

فرهنگ مردم یکی از نخستین نمودهای زندگی بشری است که نه آفرینندگان نامی از خود به جا گذاشته‌اند و نه تاریخی روشن دارد. این فرهنگ گاهی هزاران سال را پشت‌سر می‌گذارد و گاه دیرسالی آن به سده‌ای هم نمی‌رسد

- پی نوشت ها
1. folklore
 2. Edward tilor
 3. Primitive culture
 4. W. J. Thoms
 5. Ambrose Merton

منابع

۱. بیهقی، حسینعلی؛ پژوهش و بررسی فرهنگی عامه ایران، اداره موزه‌های آستان قدس رضوی، مشهد: ۱۳۶۵.
۲. جعفری قنوتی، محمد؛ «تعریف فرهنگ عامه یا تعیین موضوعات آن»، (درباره ادبیات شفاهی «۱»). کتاب ماه کودک و نوجوان، اردیبهشت ۱۳۸۴.
۳. _____؛ «ادبیات شفاهی مادری که فراموش را پاس نمی‌داریم»، (درباره ادبیات شفاهی «۲»). کتاب ماه کودک و نوجوان، خرداد ۱۳۸۴.
۴. _____؛ «ادبیات شفاهی»، (درباره ادبیات شفاهی «۳»). کتاب ماه کودک و نوجوان، تیرماه ۱۳۸۴.
۵. حاج‌نصرت‌الله، شکوه؛ «ادبیات عامیانه سرآغاز ادبیات کودکان»، فصل‌نامه فرهنگ مردم، سال چهارم، شماره ۱۵-۱۴، ۱۳۸۴.
۶. حموی، یاقوت؛ معجم البلدان، ترجمه علیقلی منزوی، ج ۲، معاونت معرفی و آموزش سازمان میراث فرهنگی، تهران: ۱۳۸۳.
۷. روح‌الامینی، محمود؛ مبانی انسان‌شناسی، (گردشهر با چراغ)، عطار، ج ۸، تهران: ۱۳۷۷.
۸. عمرانی، سیدابراهیم؛ برداشتی از لایه‌های ایران (به همراه مجموعه‌ای از لایه‌های کرمان، خراسان، فارس، مازندران و آذربایجان)، پیوند نو، ج ۱، تهران: ۱۳۸۱.
۹. لوریمر، دیوید لاکهارت؛ فرهنگ مردم کرمان، ترجمه فریدون وهمن، بی‌نا، بی‌جا: ۱۳۵۳.
۱۰. محمدی، محمدهادی؛ زهره قایینی؛ تاریخ ادبیات کودکان ایران (ادبیات شفاهی و دوران باستان)، ج ۱، چیستا، ج ۳، تهران: ۱۳۸۲.
۱۱. هدایت، صادق؛ فرهنگ عامیانه مردم ایران، گردآورنده: جهانگیر هدایت، چشمه، ج ۶، تهران: ۱۳۸۵.
۱۲. همایونی، صادق؛ یازده مقاله در زمینه فرهنگ عامه، اداره‌کل فرهنگ و هنر فارس، شیراز: ۱۳۵۱.

ساخته همه مردم و همه دودمان‌ها و برآیند اندیشه و تخیل جمعی است و در بستر زمان، از دودمانی به دودمانی دیگر و از سرزمینی به سرزمینی دیگر کوچ کرده (محمدی و قایینی، ۱۳۸۲: ۱۱-۱۰) و به نسل امروز رسیده است. «هنر و ادبیات توده، به‌منزله مصالح اولیه بهترین شاهکارهای بشر به‌شمار می‌آید. به‌خصوص ادبیات و هنرهای زیبا و فلسفه و ادیان مستقیماً از این سرچشمه سیراب شده و هنوز هم می‌شوند. این سرچشمه افکار توده که نسل‌های پیاپی، همه اندیشه‌های گران‌بها و عواطف و نتایج فکر و ذوق و آزمایش خود را در آن ریخته‌اند گنجینه زوال‌ناپذیری است که شالوده آثار معنوی و کاخ باشکوه زیبایی‌های بشریت به‌شمار می‌آید» (هدایت، ۱۳۸۵: ۲۳۵-۲۳۴)

به‌طور کلی، می‌توان گفت که ادبیات عامیانه به دو گونه روایت‌های منظوم و منثور در میان توده مردم رواج دارد. روایت منظوم که خود شامل ترانه‌های دوبیتی، تصنیف، چارپاره، لالایی، مثل، چیستان و بازی‌های منظوم، نوحه، بحر طویل، تعزیه و نمایش عروسکی است، جزو گونه‌های مختلف روایت‌های منظوم یا شعر عامیانه به‌شمار می‌روند. با تحلیل و بررسی این اشعار می‌توان به احساسات درونی و اعتقادات و باورها و ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی پی برد.

روایت‌های منثور: روایت‌های منثور ادبیات عامیانه شامل قصه‌هایی چون افسانه‌های اساطیری، افسانه‌های توتمی، افسانه‌های حماسی، افسانه‌های پریان و حکایات هستند. مثل‌های منظوم یا منثور و چیستان‌ها، از صورت‌های دیگر ادبیات عامیانه است. (حاج نصرالله، ۱۳۸۴: ۱۴۶-۱۴۵)

فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان، ج ۲، ذیل «ادبیات عامه»

برای ادبیات عامیانه یا شفاهی، این ویژگی‌ها را به‌طور کلی می‌توان بیان کرد: مؤلف یا سراینندگان آن نامشخص‌اند؛ شکل انتقال در آن شفاهی و نسل به نسل است؛ نمی‌توان خاستگاه آن را به یک منطقه محدود جغرافیایی منسوب کرد؛ به‌صورت متون شفاهی قابل تکرار است؛ سرگرم‌کننده و پرکننده اوقات فراغت است و بین شنوندگان ایجاد نشاط می‌کند؛ این ادبیات به زبان گفتاری مردم است و مهم‌تر از همه آن‌ها جنبه آموزشی و تربیتی دارد (جعفری قنوتی، ۱۳۸۴: ۸۰-۷۶). بنابراین، شناخت این نوع از ادبیات در فرهنگ عامه بسیار مهم است.

تمامی موارد یاد شده - که خود سبب گستردگی قلمرو وسیع موضوعات مورد مطالعه فرهنگ عامه در زمینه‌های گوناگون شده است - تنها بخش کوچکی از این حوزه وسیع است. با این همه، باید توجه داشت که اندیشه عامه، در قید و بند چارچوب‌ها و قالب‌ها محصور نمی‌ماند و رها و آزاد، متحرک و پویاست و با شرایط زندگی سازگار بوده و همگام با جامعه متحول شده است و در جویبار زمان جریان دارد. (بیهقی، ۱۳۶۵: ۲۱)

در واقع، می‌توان گفت دنیای فولکلور، دنیای زندگی واقعی توده‌هاست؛ دنیایی که توده‌هایی از دیرباز در آن زیسته‌اند، اندیشیده‌اند، خندیده‌اند، گریسته‌اند، شکست خورده‌اند، پیروز شده‌اند، نیایش کرده‌اند، ترسیده و عاصی شده‌اند و سپس در همان دنیای حیرت‌انگیز از دنیا رفته و به خاک سپرده شده‌اند؛ در حالی که همه چیز خود را چون یادگاری گران‌بها و مقدس به نسل‌های بعدی خود سپرده‌اند و بدین طریق روزگار گذرانده‌اند (همایونی، ۱۳۵۶: ۴-۳).

بنابراین، باید فرهنگ مردم را در درون زندگی خود مردم جست. ارزش بخشیدن به این فرهنگ، در واقع ارج نهادن به مردم است؛ به این دلیل که مردم از فرهنگشان جدا نیستند و این فرهنگ آن‌هاست که آن‌ها را می‌سازد و به آنان ارزش می‌بخشد. (بیهقی، ۱۳۶۵: ۱۷)

ادبیات فولکلوریک (عامیانه)

یکی از شاخه‌های مهم فرهنگ مردم، ادبیات عامیانه است که زمان پیدایش آن مربوط به پیش از دوران نوشتار است و به‌صورت شفاهی و از نسلی به نسل دیگر به امروز رسیده است. از آنجا که فرهنگ عامه متعلق به مردم است، ادبیات عامیانه نیز با واقعیت‌های زندگی عادی مردم پیوند دارد و بازتابی از زندگی اجتماعی و فرهنگی آنان است و برخی عناصر مربوط به این حوزه، هنوز هم مکتوب و ثبت و ضبط نشده است. این ادبیات، در واقع گنجینه‌ای غنی برای ادبیات مکتوب به‌شمار می‌رود و نقش مهمی در دوام و پایداری فرهنگ قومی و استمرار آن در تاریخ دارد. چنان‌که گفته شد، ادبیات شفاهی یا عامیانه، از نظر تاریخی بر ادبیات تألیفی یا مکتوب تقدم دارد؛ زیرا انسان هزاران سال پیش از آنکه خط را اختراع کند و وارد مرحله تاریخی حیات خود شود، توانایی سخن گفتن را پیدا کرده بود (جعفری قنوتی، ۱۳۸۴: ۹۶). این نوع از ادبیات، با دامنه‌ای گسترده، سراینندگان و پدیدآورندگان ناشناس و گمنامی دارد و در واقع،